تعداد بازگشت‌کنندگان در زمستان به علت سرما نسبت به سایر فصل‌ها کمتر است و روزانه کمتر از ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر به افغانستان بر می‌گردند و بیشتر مجردینی‌اند که به طور غیر قانونی به ایران وارد شده‌اند، چه آن‌هایی که برگه خروج دارند و چه آن‌هایی که دستگیر شده‌اند.

در ابتدای تشکیل نظام جدید افغانستان از سال ۸۲ تا ۸۵ خیلی از گروه‌ها دسته جمعی به افغانستان بازگشتند اما با ناامنی مجدد، تمایل برگشت بین مهاجران کمتر شد. افغانستان برنامه‌هایی برای مهاجران دارد از جمله شهرک‌هایی برای مهاجران در نظر گرفته است و برای هر خانواده مهاجر یک قطعه زمین در همان استانی که ساکن‌اند، داده می‌شود. زمینه کار و اشتغال هم سعی شده فراهم شود اما متاسفانه به علت ناامنی‌های گاه و بی‌گاه علاقه‌مندی کمتر شده است، با این حال وظیفه وزارت امور مهاجران دولت ما این است که زمینه بازگشت داوطلبانه و عزت‌مندانه را فراهم کند.

کسانی هم که به اجبار بازگردانده می‌شوند عمدتاً مهاجران غیرقانونی در ایران هستند، علاوه بر این عده‌ای به صورت موسمی در ایران هستند و گاهی در ایران و گاهی در افغانستان می‌باشند.

تعداد کسانی که دارای کارت‌اند و داوطلبانه بازمی‌گردند، نسبت به سال‌های گذشته کاهش پیدا کرده‌اند؛ سال ۹۲ حدود تنها ۱۲ هزار خانواده به افغانستان بازگشته‌اند.

چه چیزی باعث شده مهاجران تمایلی به بازگشت به افغانستان نداشته باشند؟

جمهوری اسلامی ایران دارای یک امنیت خاص می باشد و مسائل کار و اشتغال هم در کنار آن مزید بر علت شده است، بنابراین علارغم پرداخت هزینه توسط مهاجران اما لوازم اولیه همچون آب، برق و گار برای زندگی در ایران مساعدتر است.

مهاجران غیرقانونی چرا و از چه مسیری وارد ایران می‌شوند؟

عمدتاً از مسیرهای افغانستان به پاکستان و از آنجا به سیستان و بلوچستان ایران می‌آیند و کمتر ورود از مرز افغانستان دارند. راه قانونی برای ورود اتباع افغانستان به ایران وجود دارد و ایران هم قول داده‌است که سقف صدور ویزا را بالا ببرد. نمایندگی‌های کنسولی ایران در افغانستان ویزا صادر می‌کنند که شاهد ۵۰ هزار افغان هستیم که با ویزای قانونی به ایران رفت و آمد دارند.

تلاش ما این است که زمینه قانونمند ساختن ورود و خروج افراد را مساعد کنیم و این به نفع دو کشور است، بزرگترین نفع ساماندهی و داشتن اطلاعات از این افراد است.

> یک مشکل بزرگ که وجود دارد، مشکل ازدواج اتباع افغان به ویژه مردان با اتباع جمهوری اسلامی ایران است که فرزندانی به دنیا آمده‌اند که تقریبا بی‌سرنوشت هستند و هیچ گونه مدرک هویتی نه از ایران و نه از افغانستان دارند

در تقسیم‌بندی که در ابتدای صحبت‌هایتان از اتباع افغانستان داشتید، به دو گروه دارای کارت و پاسپورت اشاره کردید، تفاوت این دو چیست؟

هرچند آماری از تعداد پاسپورت‌داران نداریم اما دارندگان پاسپورت و آن‌هایی که برای تمدید ، تعویض یا تفکیک پاسپورت به ما مراجعه می‌کنند، از سال های بسیار طولانی در ایران هستند؛ علاوه بر این در این مدت هم کسانی بودند که کارت آمایش خود را تبدیل به پاسپورت کرده‌اند. پاسپورت به این معنی است که شرایط اقامت می‌خواهند تا در ایران زندگی کنند، بنابراین شرایط اقامت با شرایط پناهندگی فرق می‌کند. هردو گروه هزینه می‌پردازند اما دارندگان کارت کمتر هزینه می‌پردازند اما دارندگان کارت اقامت یا همان پاسپورت بیشتر هزینه می پردازند.

> ۹۵ درصد فرزندانی که مادر ایرانی دارند، تمایل دارند که شناسنامه ایرانی بگیرند، یک عده افغان که متولد ایران هم هستند، هم تمایل دارند شناسنامه ایرانی بگیرند

علاوه بر این با کارت اقامت می‌توانند به کشورهای بیرونی و افغانستان سفر کنند و اقوام خودشان را ببینند اما کسانی که کارت پناهندگی دارند، چنین امکانی ندارند، با کارت اقامت می‌توانند سالی دوبار اجازه خروج و مراجعت داشته باشند، سفرهای استانی شان هم نسبت به کارت پناهندگی راحت‌تر است و می‌توانند گواهی‌نامه بگیرند،در زمینه تجارت هم می‌توانند کار کنند.

اما پناهندگان دارای کارت، اجازه خروج از ایران ندارند، حتی برای سفر به استان‌های دیگر باید برگه تردد بگیرند اما امتیازی مثل بیمه دارند. در قسمت آموزش، تحصیلات عمومی مدارس شامل هر دو گروه می‌شود و هیچ مانعی ندارند اما در تحصیلات عالی کسانی که بخواهند به دانشگاه بروند، ناگزیرند پاسپورت بگیرند و اقامت تحصیلی بگیرند.

آیا غیر از مواردی که فرمودید، اتباع افغانستان در ایران هستند؟

کسانی از اتباع افغانستان هم هستند که کار تجارت می کنند و با اتاق های بازرگانی در ارتباط هستند و کارت بازرگانی دارند، این تصور درست نیست که همه ی اتباع افغان کارگرند یا سطح درآمدی پایین دارند.

همان طور که فرمودید حضور سی ساله مهاجران، مشکلات و نواقصی ایجاد کرده است، یکی از مشکلات ازدواج مردان افغان با زنان ایرانی و فرزندان آن‌هاست؛ این موضوع در حال حاضر چه وضعیتی دارد؟

یک مشکل بزرگ که وجود دارد، مشکل ازدواج اتباع افغان به ویژه مردان با اتباع جمهوری اسلامی ایران است که فرزندانی به دنیا آمده‌اند که تقریبا بی‌سرنوشت هستند و هیچ گونه مدرک هویتی نه از ایران و نه از افغانستان دارند. خیلی‌ها به ما مراجعه می‌کنند که با تکمیل سن ۱۸ سال به اعتبار مادر یا پدر شناسنامه ایرانی به آن‌ها داده شود؛ یک شرط این کار ترک تابعیت کشور افغانستان است.

اگر شوهر افغان این زنان ایرانی زنده باشد، مشکلی نیست و ما به مراجع ذی ربط ارجاع می‌دهیم.

مواردی هم که شوهر در دسترس نیست، آن‌هایی را که بتوانیم مدارک نسبی ازشان پیدا کنیم ارجاع می‌دهیم به همان نقطه‌ی افغانستان که مدارک مربوط به آن جاست و احتمالا نزدیکان وی در آن جا زندگی می‌کنند. در قدم اول اثبات می‌کنیم که افغانستانی هستند، سپس مراحل ترک تابعیت انجام می‌شود؛ برخی موارد هیچ ردو نشانه یا فامیلی از این مرد افغان نیست و نمی‌توان پاسخی دریافت کرد. ۹۵ درصد فرزندانی که مادر ایرانی دارند، تمایل دارند که شناسنامه ایرانی بگیرند، یک عده افغان که متولد ایران هم هستند، هم تمایل دارند شناسنامه ایرانی بگیرند که مانعی برای چنین درخواستی نیست اما قوانین و شرایط خاص خودش را دارد.

البته از حدود سال ۸۵ قانونی است که ازدواج با اتباع افغانستان منوط به مجوز وزارت کشور و استانداری هاست و این مشکل عمدتا مربوط به افراد قبل از این قانون‌است.

به نظر شما راهبرد مشترک ایران و افغانستان برای مهاجران افغان حاضر در ایران چیست؟

شکسی نیست تبعه هر کشور به کشورش برگردد ، چون شرایط نامساعد افغانستان کمی بازدارنده برای مهاجران است؛ اما امیدوار هستیم با آمدن دولت جدید در زمینه بازگشت داوطلبانه فراهم شود، مهاجران افغان که در هر کشوری هستند، باید داوطلبانه و با عزت به کشورشان برگردند.

> تلاش ما این است که زمینه قانونمند ساختن ورود و خروج افراد را مساعد کنیم و این به نفع دو کشور است، بزرگترین نفع ساماندهی و داشتن اطلاعات از این افراد است